

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دیگر امشب خسته هم هستیم یک مقدار صحبت بوده قبلا با این آقا

یکی از حضار: آرام آرام ان شاء الله به نشاط می آید .

یکی از حضار: خود بحث نشاط آور است .

آیت الله مددی: ان شاء الله تعالی ، عرض کنم آن شب علیرضا می گفت باز تعویض صحبت کنید تعویض که دیگر به نظرم صحبت

خاصی ندارد .

یکی از حضار: چرا دیگر یک بخشی را قبول کردید دیگر

آیت الله مددی: کدام یکی را قبول کردیم خودمان نمی دانیم ؟ ایشان گفت یکی از اشکالات به طریقه ی فهرستی شما تعویض است

هر چه من فکر کردم نشنیدم چنین اشکالی .

حالا یک بحثی هست که عده ای از این اشکالات نوشته شده است یا در همین فضای مجازی در اینهایی که نوشتند گفتم به علیرضا

گفتم اگر آقایان محبت کنند یک شب جمع بکنند بدون بردن اسم اشکالاتی که روی نظریه ی فهرستی است که ما توضیحش را بدهیم

جوابش روشن بشود به هر حال کاری است که حدود هزار سال نشده است خوب طبیعتا مشکل دارد خوب نمی شود انکار کرد خوب

مخصوصا مصادر اولیه از دست رفته ، ثانویه از دست رفته ، متوسطه از دست رفته است ، اینها برای ، خیلی کار مشکلی است یعنی جمع

آوری این مطالب خیلی کار مشکلی است ، عرض کنم من به ذهنم آمد نکند حالا این هم توضیح فقط اجمالی چون به خاطر اینکه یک

ربطی هم به بحث مصادر متوسطه دارد .

چون گاهی من عرض کردم مرحوم آقای مجلسی می نویسد که یک روایتی که در طریق سهل است سهل طریق ، شاید بعضی ها

خیال کردند ، البته سهل طریق مهم این است که سهل از و شاء نقل می کند در حقیقت نکته این است که کلینی از کتاب و شاء نقل می کند

سهل مجرد طریق است مهم نیست دیگر ، گفتم شاید بعضی ها گفتند که یا خیال کردند من گفتم مثلا سهل ولو ضعیف مثلا باشد لکن

احمد اشعری هم کتاب به و شاء را در قم نقل کرده است مثلا به جای سهل می توانیم احمد اشعری را داشته باشیم شاید تعویض این جوری

مثلا شاید به ذهنتان آمده است که سهل طریق باشد .

بنده چنین حرفی هم نگفتم هیچ اعتقادی هم به این حرف‌ها ندارم، چنین حرفی که سهل را برداریم و به جایش احمد اشعری را بگذاریم اینکه مرحوم مجلسی می‌گوید سهل طریق است می‌گوید به طریق نگاه نکنید به آن شخص نگاه کنیم، در اینکه سهل طریقت دارد این را نمی‌شود انکار کرد یعنی اصالت ارزش اولیه ندارد کتاب‌های دیگران نقل می‌کند طریقت به آن معنا.

من در آن بحثی که با همین گریب داشتیم، آخر نیومن هم بود نیومن از جای دیگری صحبت می‌کرد گفت شما این را از کجا می‌گویید که مثلا سهل روایت ندارد، ما گفتیم خیلی واضح است نگاه کنید سهل روایت از امام معصوم ندارد نداشت اول نیست دیگر، همه‌اش از کتاب‌های دیگران است یا بزنطی است یا وشاء است یا ابن، واضح است اسانیدش، گفتیم این احتیاجی به بحث ندارد از امام معصوم سهل مثلا روایت ندارد، خوب اینکه واضح است که ایشان به اصطلاح طریقت دارد.

عبارت مجلسی هم ظاهرا این است که دیگر حالا خیلی روی ایشان حساب نکنید اما اینکه مراد مجلسی این باشد که سهل را برداریم و به جایش احمد اشعری را بگذاریم فکر نمی‌کنم ایشان هم چنین حرفی بزنند. اجمال قصه این است که راجع به سهل خوب صحبت‌های زیادی، عده‌ای او را توثیق می‌کنند و ثقه می‌دانند، یک جا هم شیخ نمی‌دانم در اصحاب امام هادی یا عسکری او را توثیق کرده است حالا اینکه کلینی نقل کرده چیست و الی آخر حرف‌هایی که گفته شده است دیگر نمی‌خواهیم بحث رجالی اینجا زنده کنیم، گفتند ثقه است. عده‌ای هم گفتند نه ایشان ضعیف است و به شدت هم تضعیف کردند من جمله مرحوم آقای حائری استاد ما می‌گفت که خدا رحمت کند آقای شیخ مرتضی یعنی، می‌گفت مخصوصا این عبارت نجاشی که شهد علیه ابو جعفر احمد بالكذب این خیلی دیگر مهم است چون شهادت داده ایشان کذاب است و اخرجه من قم، کذب الغلو و اخرجه من قم این عمده این شهادت احمد است یعنی ایشان نکته‌ی اساسی شان این شهادت احمد خوب ابن ولید هم از کتاب نوادر الحکمة استثنائش کرده است ولی آخر قضایایی که هست.

لذا عده‌ای این روایت را ضعیف می‌دانند و روایتی که در سندش سهل است ضعیف می‌دانند. البته عده‌ای هم مثل مرحوم مجلسی می‌گویند ایشان طریق است ایشان خصوصیت ندارد البته این تضعیف یعنی شهادت به کذب و غلو که شیخ هم نقل نکرده است این را فقط نجاشی نقل کرده است، شیخ چنین مطلبی را ندارد و انصافش یعنی ما مثل اینکه منتظر می‌مانیم ببینند به ما اعتراض کنند تا جواب بدهیم حالا قبل از اینکه به ما اعتراض کنند چه سنی‌ها چه غربی‌ها خودمان دیگر باید یک فکری بکنیم.

یعنی مرحوم نجاشی وقتی می‌گوید شهد علیه ابو جعفر بالكذب و الغلو و از آن طرف هم می‌بیند کلینی اینقدر حدیث از او نقل کرده حدود ۱۸۰۰ تا حدیث از سهل است در مجموع کتاب ۸ جلد کافی حدود ۱۸۰۰ تا حدیث از سهل بن زیاد است آن وقت نجاشی راجع به کلینی می‌نویسد اوثق الناس فی الحدیث، حالا چطور اوثق الناس فی الحدیث است که از کذاب نقل می‌کند؟

ما منتظر می شویم که سنی ها در فلان کتابش این را بنویسد سنی نمی خواهد بنویسد ، دنبال ، این بالاخره این یک مشکلی بوده این را نباید به این سادگی ردش کرد که شاهد علیه ابو جعفر احمد بالكذب پس این کذاب است خوب اگر کذاب است ۱۸۰۰ مورد کلینی آن وقت خودت هم راجع به کلینی بنویسی اوثق الناس فی الحدیث و اسفطهم فیه از کذاب نقل می کند اینکه نشد که اینکه اوثق الناس فی الحدیث نشد .

یکی از حضار: چه کسی گفته این را به کذب متهمش کرده یعنی نقل آن روایت را پذیرفته ؟

آیت الله مددی: کدام روایت ؟

یکی از حضار: نه اینکه فرمودید الان

یکی از حضار: نجاشی

یکی از حضار: نجاشی آن روایت امام را پذیرفته ؟

آیت الله مددی: کدام روایت امام ؟

یکی از حضار: که شاهد علیه بالكذب ، نه عذر می خواهم

آیت الله مددی: نجاشی از احمد اشعری نقل می کند ، می گوید احمد اشعری شاهد علیه بالكذب و الغلو و اخرجه من قم

یکی از حضار: و این را قبول کرده آن موقع خودش ؟

آیت الله مددی: دیگر ظاهرش این را آورده است ایشان مرحوم شیخ نیاورده است اما ایشان آورده این عبارت را .

علی ای حال ما توضیحات کافی عرض کردیم شاید بعضی ها هم تعویض گفتند خیال کردند طریقه ی فهرستی تعویض است مثلا چون

ایشان طریق است به کتاب فرض کنید و شاء و احمد اشعری هم کتاب و شاء را نقل کرده است پس مثلا سهل را برمی داریم به جایش احمد

اشعری می گذاریم شاید مثلا ، حالا نمی دانم علیرضا گفت بعضی ها اشکال کردند به طریقه ی فهرستی ما که مثلا این لازمه اش تعویض

است نفهمیدم لازمه اش را چطور تعویض

یکی از حضار: این برخی امر سهل را سهل می دانند این بود که

آیت الله مددی: همین چون طریق است دیگر

یکی از حضار: الامر فی سهل سهل

آیت الله مددی: الامر فی سهل سهل ، عرض کنم که عرض کردیم

یکی از حضار: طریقه اگر ضعیف باشد آن کسی که نقل می کند زیر سوال می رود .

آیت الله مددی : بله بله . نه یکی دیگر شوخی کرده بود که الامر فی سهل سهلة با تانیث آورده بود که دیگر خیلی خرابش کند .
عرض کنم حضور با سعادتنان راجع به سهل چون صحبت زیاد است عقیده ی خود ما این است که اولاً سهل راوی از امام نیست و حالاً سهل بن زیاد را بیاورید تا من یک نکته ای را هم عرض کنم ، سهل بن زیاد اولاً ابو سعید آدمی رازی از امام نقل نمی کند اینکه به حساب احمد اشعری شهادت به کذب و غلو داده لکن اینها قاعدتاً بیرون کردن از قم نمی خواهد این باید به قضایای سیاسی برگردد قاعدتاً بیرون کردن از شهر به قضایای سیاسی است دیگر مثلاً راجع به احمد برقی هم ایشان اشکال کرد به احمد برقی لکن از قم بیرونش نکرد بیرون کردن به قضایای سیاسی می خورد .

یکی از حضار : آنهایی که روایت از ضعاف می کردند مگر بیرون نمی کرد ؟

آیت الله مددی : نه بابا ، شوخی است در آوردند چون احمد قدرت سیاسی داشت ، مثل اینکه در زمان وقتی که آخوندها قدرت سیاسی هستند بعضی ها را از قم بیرون می کنند یا بعضی ها را از وجود بیرون می کردند ، علی ای حال اینها بحث های سیاسی است ربطی به آن عوالم ندارد اینها به شوخی شبهه است . اخراج از قم کان عادة القمیین کجا چنین عادت است ؟

بله اصلاً راجع به محمد بن اورمه نوشته طعن علیه القمیون بالغلو و یک عده ای هم فرستادند که او را بکشند ترورش کنند نه از قم بیرونش کنند از دنیا بیرونش کنند ، بعد دید که این یصلی عامة مشغول نماز است رها کردند خجالت کشیدند ، لذا مرحوم آقای تستری آورده که غلو یعنی نماز نخواندن نمی دانم حالا یک معنای غلو هست اما غلو معنایش دائماً این نیست اشتباه کرده است ایشان .

یکی از حضار : درباره ی ابو سمینه دارد که

آیت الله مددی : نه آن محمد بن اورمه است ابو سمینه ندارد . ابو سمینه را اصلاً خانه ای احمد اشعری وارد شد بعد تبیین کذب و بعد

گفت بیرونش کردند و رفت

یکی از حضار : اشتهر بالغلو

آیت الله مددی : اشتهر بله

یکی از حضار : فجفی و اخذه احمد بن محمد بن

آیت الله مددی : یعنی فرستادش به کوفه برای کوفه بود فرستاد به شهر خودش ، علی ای حال آن ابو سمینه ،

این غلوها عرض کردیم غلو سیاسی است اصولا راجع به غلو سیاسی عرض کردم مثلا در همین معاصرین ما همین آقای که کتاب معرفة الحدیث نوشته است تند است خیلی تند است راجع به این غلو سیاسی ، الان زمان ما هم همینطور است کسانی که در این خطها هستند تند هستند یا این طرف تند هستند یا آن طرف این را داریم ما این چیز تازه ای نیست و اخراج از قم هم همین است .

عرض کنم که اینکه ایشان شاهد علیه بالكذب والغلو که مرحوم نجاشی نقل می کند توضیحاتش را عرض کردیم ایشان اولاً راوی نیست ایشان ناقل کتاب است و کتابها در دسترس بوده ما تعویض نمی گوئیم بحث تعویض نیست بحث این است که کتابهای حسن بن علی بن وشاء در قم متوفر بوده نسخه ای احمد اشعری بوده غیر از آن بوده نسخه هایش موجود بوده و بحثی که مطرح است این است که امثال کلینی که خیلی دقیق بودند غالبا این کتابها را با هم مقابله می کردند نسخه ها را با هم مقابله می کردند و آن نسخه ی صحیح را انتخاب می کردند و این معنایش این نیست که ایشان تمام روایتی که از وشاء نقل کرده است دروغ است ، نه اینکه اصلا معنا ندارد .

خوب نگاه می کردند مثلا بعضی از روایاتش فقط در این کتاب آمده در کتابهای دیگران نیامده بالاخره کلینی انتخاب می کرد می دیدید روایت در کتاب دیگری نیامده قبول نمی کرد آن وقت در حینی که می خواسته نقل کند چون کتاب سهل نسخه ی سهل نزد او بوده از سهل اسم برده است احتمالا نسخه ی خودش را تصحیح کرده است با نسخ دیگر نه اینکه راوی را عوض بکنیم ، عرض کنیم که ظواهرش این است .

مرحوم نجاشی خودش این طور می گوید کان ضعیفا فی الحدیث اولش این را می گوید یعنی ایشان قواعد تحدیث را مراعات نمی کرده است ضعیف در حدیث است نه اینکه ثقه نبوده یا مثلا ضعیف بوده است . کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمدا علیه فیه ، یعنی در حدیث به خود او نمی توانیم اعتماد کنیم به قرائن باید نگاه بکنیم به شواهد روشن شد ؟ شواهد هم معلوم است دیگر چون ایشان راوی کتاب است خوب کتابهای دیگر ، نسخه های دیگر را نگاه می کردند دقت کردید ؟

و لذا ما عرض کردیم اگر کلینی نقل می کند چون اوثق الناس فی الحدیث حتما نگاه کرده دیده این نسخه که در کتاب سهل که آمده این درست است این روایت درست است در نسخه ی دیگر هم مقابله کرده دیده درست است ایشان کتاب احمد اشعری هم دیده نسخه ی احمد اشعری هم دیده دیگران را هم دیده است خوب این نسخه هایی که بوده است ، بزنبطی مثلا کتاب و نسخه های دیگری هم داشته است و چون کتاب نزدش حاضر بوده است کتاب سهل از طریق سهل از نسخه ی سهل نقل کرده است لکن نه به این معنا که تمام نسخه ی سهل مثلا باطل باشد خوب عده ای هم درست بوده است .

و ما به نظر خودمان این طور می آید که مرحوم سهل بن زیاد که می رود به کوفه برای نقل حدیث ، چون احمد هم می رود اینها هر دو ، البته سهل اساسا تهرانی است ساکن قم بوده و احمد هم اساسا اشعری یمنی است که پدرش و جدش و اینها ساکن قم بودند اینها می روند کوفه برای نقل حدیث مرحوم سهل متساهل است یعنی چه یعنی وجاده بوده مثلاً نسخه ای که از کتاب و شاء در بازار بوده این را برداشته آورده قم گفته عن الوشاء .

مرحوم احمد اشعری می گفته این دروغ است تو که از او نشنیدی چرا می گویی عن به نحو عن عنه نباید نقل کنی ، این کذبش این است ، کذب فنی است دقت می کنید ؟ غلو هم غلو سیاسی است البته این هست که اصولاً افرادی که غلو سیاسی دارند چه آن زمان چه این زمان خیلی در نقل دقیق نیستند دنبال خط های دیگر هستند دنبال مطالب دیگری هستند خیلی ، مثل این فلاسفه احادیث نقل می کنند فلاسفه این خیلی حالا دنبال حدیث و لفظ و فلان و اینها نیستند دنبال عالم دیگری هستند ، دنبال یک معانی دیگری هستند .

اینکه مرحوم سهل نقل می کرده ضعیف فی الحدیث بوده اعتماد روی خودش نمی شود کرد باید با قرائن نگاه کرد مراد نجاشی این است ما هم عقیده مان همین است که ایشان ضعیف فی الحدیث است و این گفتیم این اشکال به وثاقت نیست ، ایشان ثقه است در نقل اما مبنای حدیثی اش و قواعد تحدیثش ضعیف است ، ایشان ما داریم در میان اهل سنت هم که اگر

یکی از حضار : ثقه نمی شود کسی که یک کتابی را مطمئن نیست برای کسی نیست نسبت می دهد به او خوب این

آیت الله مددی : در بازار کوفه معروف بوده کتاب و شاء است .

یکی از حضار : وجاده گرفته

آیت الله مددی : به وجاده گرفته اگر وجاده گرفت نباید عن بگوید ایشان عقیده شان این است می شود عن نگفتم سمعت عن ، گفتم عن الوشاء ، این مبنا بوده عده ای از اهل سنت هم دارند ، عرض کردم شاید ۹۴ درصد ، ۹۵ درصد اهل سنت عن عن را مساوق با اتصال می دانند ما کم داریم در سابق و یک ۴ - ۵ درصدی هستند که می گویند نه عن عن اعم از اتصال است نگفت

یکی از حضار : یعنی شامل وجاده هم می شود .

آیت الله مددی : شامل وجاده هم می شود او گفت عن نگفت که از او شنیدم شاید این مبنایش این بوده که عن عن مساوق با اتصال

نیست می توانیم بگوییم عن فلان ، روشن شد چه می خواهم بگویم ؟

یکی از حضار : وجاده هم اگر چنانچه معتبر نباشد می تواند عن عن بگوید ؟

آیت الله مددی: یعنی چه معتبر نباشد، خوب دیگر مبنا همین است، می گوید کتاب است می گوید من نگفت از او شنیدم این کتاب هم به اسم ایشان در کوفه معروف است در بازار هست، دیگر آن زمان زمانی بوده که کتاب ها پخش شد زمان حضرت رضاست دیگر پخش شد کتاب ها پخش شد، دقت می کنید؟ ایشان با یک واسطه، کلینی با یک واسطه از ایشان نقل می کند.

پس بنابراین، بنابراین ما نمی گوییم تعویض یعنی ما نمی گوییم که سهل را برداریم به جایش احمد بگذاریم یا مثلا طریق است و چون طریق است هیچ ارزشی ندارد نه این هم حرف مرحوم مجلسی این را هم قائل نیستیم قائل به این هستیم که مرحوم کلینی چون اوثق الناس فی الحدیث که همینطور هم هست این نسخه ها را مقارنه کرده است آن روایات صحیحی که برای سهل بوده و دیدیم درست است و احمد اشعری هم مثلا نقل کرده و دیگران اینها را علامت زده آن وقت کتاب، همان نسخه ی سهل نزدش او بوده از او نقل کرده برای حفظ امانت از او نقل کرده است مشکل ندارد که این خودش مشکل خاصی ندارد.

نه اینکه به حساب بگوییم طریق صرف است حالا آن بعد توضیح می دهیم پس این مطلب به این صورتش بعد هم ایشان قائل است که عن عنه مساوق با اتصال نیست دیگر چه اشکالی دارد؟ کجایش اشکال پیدا می کند؟ دقت می کنید؟ و لذا مرحوم نجاشی می گوید کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمدا علیه فیه و کان قد شهد احمد بالكذب والغلو آن را بعد می آورد یعنی در حقیقت نجاشی می خواهد بگوید این شهادت ایشان درست نیست، این شهادتی که ایشان، کذب یعنی کذب علمی، یعنی عن گفته نباید عن می گفته باید می گفته وجدت فی الکتاب، غلو هم غلو سیاسی است در اینکه اصولا اشاعره ی قم ریاست قم با اینها بود و غلو سیاسی کسانی بودند که خوب با دستگاه بغداد مخالف بودند چه برسد با دستگاه سیاسی قم و اینها معتقد بودند غلو سیاسی که باید مثلا حرکت کرد قیام کرد و مثل حرف هایی که فدائیان اسلام می زدند این غلو سیاسی مثل آن است.

و چیزی نیست که حالا مثلا آقای بروجردی هم مثلا با آن حرف ها مخالف بود آنها هم با آقای بروجردی مخالف بودند این از آن قبیل است چون آقای بروجردی صلاح کشور را نمی دانست که حرف های تند علیه مثلا شاه زده بشود، حالا به هر حال الی آخر قضایای سیاسی که نمی خواهم الان مطرح کنم.

به هر حال آنچه که ما نظر خودمان هست این است که سهل واقعا همان طور که ایشان گفت طریق است و اینکه باید تعویض هم بکنیم درست نیست اینکه برای طریق هم ارزش قائل نشویم این هم درست نیست، اینکه بگوییم مثل مرحوم مجلسی برای طریق لذا نظر خود ما این است که چون به هر حال سهل تضعیفاتی دارد خود نجاشی هم می گوید کان ضعیفا فی الحدیث، غیر معتمدا علیه فیه، حالا آن احمد اشعری هم که آن جور گفته است مرحوم ابن الولید هم که ایشان استثناء کرده از کتاب نوادر، جای دیگر هم گفتند ضعیف.

غرض شواهد در اینکه ایشان در مسالهی حدیث شناسی ضعف دارد وجود دارد و اینکه بیاییم بگوییم ایشان طریق است کلا این را ما اعتبار نکنیم نگاه نکنیم و بگوییم مراد همان کتاب و شاء است و این قابل اعتماد است اینها هم مشکل است یک مقداری مشکل است ، به هر حال عرض کردم نکته ی اساسی تعویض این است که ما آن اسمی را که گفته شده است برایش ارزش خاص قائل نشویم لذا تعویضش را به اسم دیگری بکنیم .

نه ما برایش ارزش خاص قائلیم به هر حال نسخه هایی که سهل نقل می کند کلینی از سهل نقل می کند با اینکه می دانیم طریق است و با اینکه می دانیم که کلینی رویش کار کرده مع ذلک اگر سهل باشد یک توقفی داریم ما اصولا توقفی با اینکه می دانیم کلینی این کار را کرده است مبنای خودمان را می گوئیم ، اصلا تضعیف نمی کنیم ، طریق صرف هم نمی دانیم آن طریقی که آقایان اخباری ها گفتند چرا چون این معنایش الغاء عنوان سهل است بالکلیه این را نمی شود الغاء عنوان بکنیم حجیت ما تابع علم ماست ، حجیت که تابع واقع نیست ، وقتی آمده می گوید عن سهل خوب باید سهل را حساب بکنیم ، بیاییم بگوییم احمد اشعری خوب اینکه مسخره است ، بگوییم نه اینجا هیچ ارزش ندارد سهل هیچ ارزشی ، آن هم خلاف ظاهر است هر دوی اینها خلاف ظاهر است ، بخواهیم بگوییم سهل ارزش

لکن بیاییم بگوییم ایشان ضعیف است ، کذاب است رد بکنیم این هم نه این را نمی شود قبول کرد ، این هم نمی شود قبول کرد . لذا ما روایاتی را که درش سهل هست به طور کلی البته عرض می کنم حالا خصوصیاتش را بعد عرض می کنم به طور کلی این طوری است که به اصطلاح به نظر ما دارای ارزش بوده کلینی هم حساب کرده است لکن به هر حال چون نسخه ی سهل است و سهل متساهل است در حدیث باید یک توقف مائی کرد زود زود قبولش نکنیم باید مثل احمد اشعری عن و شاء نیست ، این را قبول می کنیم اما اینجا یک توقف مائی دارد و این یک واقعیتی است که آقایانی که در خط غلو سیاسی هستند متساهل هستند در

یعنی مشکل مرحوم نجاشی مشکل نه مشکل کار این است که آقایان دقت نکردند نجاشی روی کتاب شناسی دارد کار می کند یعنی در حدیث سهل این مشکل را دارد ، حدیث سهل چون در خط غلو سیاسی بوده خط غلو سیاسی تساهل دارند نه اینکه دروغ می گویند .

یکی از حضار : خوب به اصطلاح علمی بخواهیم بگوییم در واقع شما حجتش را نمی پذیرید .

آیت الله مددی : اجمالا می پذیریم ، تفصیلا نه . نه آن طور رد بکنیم ، نه آن طور قبول بکنیم .

یکی از حضار : آن که با قرائن که دیگر راه خودش

آیت الله مددی : همان که خودش می گوید غیر معتمد علیه فيه اعتماد به خودش نمی شود کرد باید با قرائن نگاه کرد ، دقت کردید ؟

چون ایشان قواعد تحدیث ندارد ولو کلینی مواظب بوده قطعاً کلینی ،

اصولا ما عرض کردیم از زمان تقریبا می شود گفت جابر بن یزید جعفری حالا می گویند مثلا خط غلو در مورد ائمه از زمان مثلا عبد الله بن سبأ و امیرالمؤمنین گفتیم اینها شواهد علمی ندارد خیلی اگر شواهدی هم داشتیم که اینها وجود خارجی داشتند ما نظرمان الان در بحث های فهرستی و حتی نظر شیخ و نجاشی بالخصوص بحث میراث های علمی اینهاست نه اینکه حالا مثلا عبد الله بن سبأ قائل بوده اگر هم عبد الله بن سبأ وجود داشته و قائل به الوهیت بوده میراث علمی ندارد .

ما از زمانی که میراث علمی داریم و به عنوان خط غلو حالا این عنوان درست یا نادرست اینها می گویند شما غالی هستید آنها می گویند حالا این حرف ها را بگذاریم کنار آن که به عنوان خط غلو داریم ان شاء الله این را بعد توضیح می دهم از زمان جابر بن یزید جعفری است در حقیقت زمان جابر و از ایشان کتاب داریم تفسیر داریم برای همین کتاب ابو غالب می گوید و تفسیر جابر اینکه الان خیلی ما آشنایی زیاد معلوم می شود تا زمان تا قرن چهارم این کتاب تفسیر جابر موجود بوده اصلا .

یکی از حضار: جابر بن یزید مراد است ؟

آیت الله مددی: بله بله ، جابر بن یزید ، احتمالا متوفای ۱۲۸ باشد .

این جابر بن یزید کتاب داشته دقت می کنید ؟ می گویند یک شرحی دارد حالا یکی از جاهایی که به نظر ما نجاشی هم اشتباه کرده همین جاست در شرح حال جابر است ، دیگر حالا اگر در مصادر قرن اول صحبت کردیم در مصادر اولیه شاید راجع به آن هم صحبتی بشود به هر حال دقت می کنید ؟ بعد لکن در خط غلوی این غلو حالا هر چه بوده این خطی که به نام خط غلو است آن رأس و چهره ی اساسی مفضل بن عمر است . آن چهره ی اساسی که ناشر افکارشان است محمد بن سنان است سهل در رتبه های بعدی است ، سهل هم یکی از ناشران این خط غلو سیاسی است یعنی از این ناشران این خط است یکی از کسانی است که در پی این خط کار کرده است و اینها ما عرض کردیم یعنی تقریبا از سال های ۱۲۰ ، ۱۱۵ از زمان

چون ایشان از امام باقر و حتی سجاد هم گفتند نقل کرده جابر بن یزید این خط غلو سیاسی میراث دارد ببینید دقت کنید ، میراث دارد ، خوب دقت کنید . خط اعتدال هم مثل زراره و محمد بن مسلم و برید و اینها و جمیل بن دراج و اینها خط اعتدال هستند اینها هم میراث دارند این دو تا میراث از زمان امام صادق شروع می کنند با هم دیگر بروز کردن دقت می کنید ؟ این دو تا میراث با هم دیگر شروع می کنند فرض کنید یونس بن عبد الرحمن داریم در مقابل فرض کنید محمد بن سنان ، حسین بن سعید داریم در مقابل آنها فرض کنید سلمة بن خطاب همین جور ، سهل بن زیاد داریم در مقابل احمد اشعری داریم ، دقت می کنید ؟ این دو تا خط فکری این دو تا میراث ، میراث این طرف یک چیزی در حدود ۱۵۰ سال در شیعه وجود داشته است ، یعنی از سال های ۱۱۰ و ۱۲۰ این ظهور پیدا می کند تا سال های

۳۰۰ ، دو تا خط است دو تا خط فکری است و هر دو میراث دارند و نظر نجاشی و اینها بیشتر روی میراث علمی شان هست حالا نه فقط

بحث

میراث های خط غلو حتی غلو سیاسی خالی از اشتباه و ، یعنی اینکه دنبال این خط خیلی نبودند دقت ، خط اعتدال مثل ما مثلاً گوشه ی زیرزمین می نشستند کلمه به کلمه حساب بکنند بعد اینها درست است خط اعتدال از این کارها می کرد خط غلو خیلی در این خطها نبود که حالا بیاید که حالا آن مطلب را می خواست دنبال آن مطلب بود بیشتر نه دنبال عبارت و عین عبارت چه بوده است ؟

و این عرض کردیم این دو تا خط ما همین جور داریم میراث داریم تا سال های ۳۰۰ تقریباً بعد تقریباً از بین می رود می شود گفت حالا مثلاً میراث خط غلو تا یک حدی به یک معنایی به یک معنای حالا صحیح یا غیر صحیح مثلاً بعدها اخباری ها زنده اش کردند و الا دیگر این در بین ما از بین می رود یعنی بعد از کلینی مثلاً می گوید این خط آن طرف است این خط این طرف است تقریباً از بین می رود .

نظر خود ما این است که دو تا احتمال دادیم در سر این اضمحلال خط میراث غلو نه آن خط فکری و نوشتاری آنها یکی اینکه مرحوم کلینی باشد ، چون کلینی مقدار زیادی از میراث غلو را آورده است نمی شود انکار کرد از محمد بن سنان دارد از سهل بن زیاد دارد ، اینهایی که متهم به غلو هستند دیگر ، از اینها آورده لکن انتخاب کرده فشنگ هایش را آورده است بقیه اش هم اینها نا مربوط است رهایش کرده خواهی نخواهی خوب هایش را ایشان آورده بود بقیه اش هم نا مربوط بود .

شاید ایشان یکی از عواملی بوده که خط میراث غلو سیاسی خود به خود مضمحل بشود یعنی چیزی از آن نماند ، یک احتمال دیگر دادیم که این میراث یعنی غلو سیاسی چون در آن زمان در سال ۲۹۷ قبل از ۳۰۰ اسماعیلی ها در مصر به حکومت رسیدند یک مقدار از این غلو سیاسی جذب آنجا شدند به اسم شیعه هم بودند دیگر اسماعیلی بودند جذب ، یعنی اینهایی که دنبال این خط بودند خط غلو سیاسی بودند دیگر جذب مصر و حکومت مصر و تشکیلات مصر و خوب آنجا هم تا یک مدتی بودند رشد داشتند همین دعائم الاسلام کتابها آنجا رفته بررسی کردند دیگر آنها هم کم کم دیگر نقش درآمد دیگر حکومت فاطمی ها دیگر خواهی نخواهی این منشاء شد که خط میراث ، خط فکری میراثی خط غلو این خود به خود مضمحل بشود یعنی خود به خود یک خط مستقلی در مقابل خط اعتدال نمی ماند شاید خود کلینی هم یکی از آثار این کار است .

پس این مطلب که بگوئیم روایت سهل بن زیاد ضعیف ، حالا مرحوم مجلسی قائل است ضعیف علی المشهور کار خوبی می کند ، روایتش باطل است دروغگو است ایشان نه نمی شود قابل قبول نیست اصلاً تصورش برای ما قابل قبول نیست ، اینکه بگوئیم ثقه مثل احمد اشعری این هم نمی شود ، اینکه بگوئیم ایشان طریق صرفی هیچ ارزش ندارد این هم نمی شود .

اینکه بگوییم ایشان را برداریم به جایش احمد بگذاریم تعویض به قول آقایان این هم نمی شود ، اینکه بگوییم کلینی دقت کرده آن چیز خوب سهل را نقل کرده با مقارنه این می شود قابل قبول است ، لکن از آن طرف چون اسم سهل برده شده است و ما در حجیت تابع علم هستیم تابع صورت ذهنیه هستیم ، در حجیت معیارش علم است در واقع نیست ، چون تابع صور علمیه هستیم چون اسم این برده شده نمی شود اسم را حذف بکنیم .

آن وقت این نتیجه اش این می شود که روایاتی که درش سهل هست یک توقفی بشود یک نیش ترمزی بزنیم نه ردش بکنیم نه قبولش بکنیم یک نیش ترمزی در روایات بعدش هم یک مشکل دیگر اینجا نیست مرحوم کلینی که روایات سهل را نقل می کند گاهی می گوید عدة من اصحابنا عن سهل یعنی در همه ی نسخ سهل هست گاهی هم یکی را اسم می برد می گوید علی بن محمد عن سهل آن هم باید حساب کرد آخر .

گاهی می گوید عدة من اصحابنا عن سهل گاهی می گوید یک نفر از آن عده را نام می برد خوب آن را هم باید حساب کرد که چرا یکی را گفت معلوم می شود در بقیه ی نسخش نیست این توقف ما بیشتر می شود خواهی نخواهی آن نیش ترمزی که می زنیم یک کمی قوی تر می شود معلوم می شود همه از ایشان نقل نکردند .

یکی از حضار: این فقط بیان به نیش ترمز و اینها به عبارت علمی و اصطلاحی اش را نداریم یعنی چه توقف منظورتان است ؟

یکی از حضار: کمی احتیاط

یکی از حضار: نه کمی احتیاط یعنی چه حالا ؟

آیت الله مددی: یعنی با شواهد نگاه می کنیم ؟ اضافه می کنیم شواهد را ، رد نمی کنیم ، کذب نمی دانیم

یکی از حضار: یعنی اگر شواهد نباشد رد می کنیم دیگر ؟

آیت الله مددی: نه توقف می کنیم مگر با ، آن وقت در میان اصحاب ما چون این شد که اضافه ی بر روایت فتوای اصحاب و تقبل اصحاب و قرائن خارجی زیاد است به آنها اعتماد می کنیم مثلاً اصحاب ما این روایت را قبولش کردند خوب قبولش می کنیم رد نمی کنیم اما چشم بسته هم قبول نمی کنیم .

یکی از حضار: چون قرائن دیگری که می آید شما اصل روایت ضعیف هم

آیت الله مددی: آن قرائن زیاد می خواهد این این قدر قرائن نمی خواهد این یک نیش ترمزی می خواهد بله . ما چون حجیت خبر ثقه را به آن عنوان تبعیدی قبول نکردیم این درجات را گذاشتیم برایش درجات وثوق و درجات شواهد حساب می کنیم .

یکی از حضار: یک توثیقی بالاخره برای سهل ؟

آیت الله مددی: اجمالا برای سعد آن تکذیب نیست ، از روایت احمد اشعری به طور متوسط حالا فرض کنید با کم و زیادش ۷۵ درصد تا ۸۵ درصد از روایات سهل مثلا ۴۰ درصد ، ۴۵ درصد .

یکی از حضار: اصلا توثیق دارد اصلا ؟

آیت الله مددی: چرا مثل اینکه شیخ در رجالش در اصحاب امام هادی توثیقش کرده است .

یکی از حضار: یک نفر در قبل از من در ذهنم هست فقط توثیق دارد .

آیت الله مددی: بله سهل توثیق دارد بله اما اینکه کلینی ۱۸۰۰ موردش را نقل می کند از توثیق مهمتر است آقا این از توثیق مهمتر است دقت کردید آقا

یکی از حضار: کثرت روایت را یعنی شما

آیت الله مددی: یعنی کثرت آن هم مثل کلینی ، نمی شود آقا ، نمی شود آخر نسبت بدهیم که کلینی آمده از یک کذاب نقل کرده است تصور این مطلب قابل تصور نیست اصلا این مطلب قابل تصور نیست .

یکی از حضار: خوب همین را من اینجا می توانم استفاده کنم بگویم شما یکی از راه های توثیق را همین نقل کثیر کلینی می دانید ؟

آیت الله مددی: توثیق نمی خواهیم بکنیم ما الان روی روایتش حساب می کنیم ایشان از کتاب و شاء نقل کرده است نسخ و شاء ، ببینید کسی دیگری نقل کرده و یا نقل نکرده است و بعد هم ان شاء الله خواهیم گفت البته در مباحث متن حدیث اشاره کردیم یکی از راه های اساسی که ما برای اینکه حدیثی را قبول بکنیم ببینیم منعکس در فتاوی اولیه ی کتب مثلا در فقه الرضا عین این روایت آمده است این معلوم می شود قابل قبول بوده است ما راه های دیگری هم داریم یعنی راه ها فقط راه های حدیثی نیست ، مثلا در مقنعه ی صدوق آمده است فرض کنید مقنعه ی شیخ مفید آمده است خوب این را حساب می کند دیگر ، دقت می کنید ؟

ما این طور چشم بسته چون وقتی گفتیم تعبد نداریم باید مجموعه ی شواهد را حساب بکنیم بعد هم باز مضمون خود خبر شواهد خود خبر وجود معارض برای خبر اینها تمام حساب می کنیم یعنی این طور نیست که چشممان را ببندیم بگویم یا چشممان را ببندیم بگویم . خود آن عده اکثرش روشن نیست وضعشان خود آن عده ی سهل باز بحث دارد خود آن عده ی سهل بحث خاص خودش را دارد .

یکی از حضار: کلینی هم از جهاتی نقل کرده ولی این باعث می شود

یکی از حضار: این اکتار است

آیت الله مددی: نمی شود انکار کرد به هر حال چون با حدیث معامله ی دین می کردند معامله ی دین این طور نیست که بخواهند آسان برخورد بکنند. آن وقت سهل الان اگر نگاه بکنید سهل بن زیاد اگر نگاه بکنید خوب عده ای از ارباب کتب نقل کرده است از و شاء از بزنطی هست اسمائشان لیست از امام معصوم ندارد سهل از امام معصوم ندارد.

آن وقت بخوانید نجاشی چه می گوید راجع به ایشان راجع به سهل بعد کتب

یکی از حضار: سهل بن زیاد مدخل ۴۹۰ از اول بخوانم؟

آیت الله مددی: بخوانید نه حالا از این بعدش اینکه بعد می گوید و کان شهد علیه و اخرجه من قم بعدش؟

یکی از حضار: ابو سعید الادمی الرازی کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمد فیه

آیت الله مددی: غیر معتمد به نظرم در نسخه ی من علیه هم دارد، غیر معتمد علیه فیه، یک علیه هم داشت حالا شاید حذف شده

است، یادم می آید

یکی از حضار: خود چاپ هم همین است

آیت الله مددی: ندارد؟

یکی از حضار: ندارد. و کان احمد بن محمد بن عیسی یشهد علیه بالغلو والكذب و اخرجه من قم

آیت الله مددی: یشهد نبود و قد کان احمد شهد علیه بوده

یکی از حضار: بله یشهد در چاپ هم نگاه کردم یشهد بوده است.

یکی از ضحار: این نسخه یشهد بوده است.

آیت الله مددی: بله حالا در ذهن من این طور است.

یکی از حضار: و اخرجه من قم الی الی و کان یسکنها، این هم اینطوری است

یکی از حضار: یعنی کان یسکن قم یا

آیت الله مددی: ری.

یکی از حضار: بعد از اخراج دیگر ساکن ری شد

آیت الله مددی: رفت شهر خودش دیگر تهران به حساب ساکن شد بله

یکی از حضار: وقد کاتب أبا محمد العسكري عليه السلام على يد محمد بن عبد الحميد العطار للنصف من شهر ربيع الآخر سنة خمس وخمسين ومائتين.

آیت الله مددی: یعنی روایت ندارد از امام معصوم یک نوشتار دارد فقط به نحو مکاتبه الان ایشان از امام معصوم در روایت چیزی ندارد ایشان سهل از امام معصوم ندارد بعد؟

یکی از حضار: یک نامه ای دارد اما دارد که جوابش آمد یا نه یک کاتب یعنی جواب گرفته؟

آیت الله مددی: جواب گرفته، اما این را الان نقل نکردند مثلاً کتبه و اجابه بفرمایید.

یکی از حضار: ذکر ذلك أحمد بن علي بن نوح وأحمد بن الحسين رحمهما الله.

آیت الله مددی: این هم احتمالاً ایشان تردید داشته از اینکه ذکر ذلک یعنی خود ایشان خیلی اطمینان نداشته است ما هم الان خیلی اطمینان نداریم به این حرف.

یکی از حضار: ذکر ذلک یعنی آن کتاب است؟

آیت الله مددی: آها مکاتبه است. اینکه ایشان با امام عسکری، ابو محمد پدر حضرت مهدی سلام الله علیه نه امام هادی، امام عسکری چون به هر دو عسکری می گویند ایشان این را نقل کرده از ابن نوح و احمد بن الحسين همان ابن غضائری پسر که رفیقش بوده است خوب از اینکه به او نسبت می دهد یعنی خود من هم تأمل دارم در صحت این مطلب که به نحو مکاتبه نقل کرده باشد تأمل دارم بفرمایید.

یکی از حضار: له كتاب التوحيد، رواه أبو الحسن العباس بن أحمد بن الفضل بن محمد الهاشمي الصالحي عن أبيه عن أبي سعيد الادمي.

آیت الله مددی: ببینید کتاب التوحید این همه روایت در فقه ما از او داریم، لذا الان یک نکته ای که می خواستیم آن شب اضافه کنیم

یکی از حضار: نوادرش هم بخوانم؟

آیت الله مددی: بخوانید چه بوده؟

یکی از حضار: وله كتاب النوادر، أخبرناه محمد بن محمد

آیت الله مددی: مفید، شیخ مفید

یکی از حضار: قال: حدثنا جعفر بن محمد،

آیت الله مددی : ابن قولویه

یکی از حضار: عن محمد بن یعقوب قال: حدثنا علي بن محمد،

آیت الله مددی: این همین جزو عده است جزو افراد عده است.

یکی از حضار: عن سهل بن زیاد، ورواه عنه جماعة.

آیت الله مددی: خوب پس بنابراین خود سهل بن زیاد نوادر دارد اگر از کتاب خودش باشد نقل های کلینی خوب این واضح است مصدر متوسط است، از کتاب خودش نباشد فرض کنید از کتاب بزنی باشد خودش راوی کتاب مصدر متوسطه است، آن بزنی هم خودش مصدر متوسطه است ولذا ما الان امشب می خواستیم همین نکته را بیان بکنیم که مراد ما از مصدر متوسط بیشتر مصدر متوسط بر اساس راوی حساب می کنیم مثلاً احمد اشعری را جزو مصادر روایت ایشان را، چرا چون احمد یا خودش در کتابش آورده می شود مصدر متوسط یا احمد از کتاب ابن فضال نقل کرده است، کتاب ابن فضال مصدر متوسط است.

یعنی مراد ما از مصدر متوسط مصادر متوسط را اگر تحقیق بکنیم مثلاً روایات احمد را بیاوریم مراد ما این است که چه در کتاب خودش باشد یا در کتاب های دیگری باشد که ایشان نقل کرده است. ایشان این کتاب را نقل می کند کتاب نوادر را از ایشان نقل می کند خوب روایاتی که الان در کتاب مرحوم کلینی آمده روشن نیست برای ما از کتاب نوادر است یا ایشان از کتاب وشاء است، از همان نسخه ی وشاء نقل می کند.

یعنی در حقیقت نسخه ی وشاء را نقل کرده کلینی از کتاب وشاء نقل می کند اصلاً این نسخه ی سهل بن زیاد. ما چون می خواهیم این را بگوییم که ما اصطلاحاً اگر بنا به این بگذاریم که مطلب بعدی ما مصادر متوسط را جمع آوری کنیم یعنی شخص این کتاب آنچه که روایت دارد از آن این شخص جزو مصادر متوسط است به این معنا یا در کتاب خودش آورده که مصدر متوسط است یا از کتابی نقل کرده که آن مصدر متوسط است، این هم هست هر دویش را حساب می کنیم چون این بعد به آن.

دیشب به اینجا رسیدیم پس این تعویض را ما در اینجا قائل نیستیم هیچ کجای دیگر هم قائل نیستیم حالا ما نمی دانیم این چیست به حساب.

یکی از حضار: تفکیک می شود قائل بشویم روایاتی که سهل درباره ی توحید آورده این مصدر متوسط می شود اما روایاتی که برای صلاة

وزکات و حج و

آیت الله مددی: ممکن است چون ایشان می گوید نوادر دارد برای خودش باشد، در کتاب نوادرش آورده است چون اگر نسخه باشد مرحوم کلینی در کتاب و شاء دارد نقل می کند مگر نسخه ی سهل چون در زمان قدیم همین اصول ستة عشر را نگاه کنید مثلاً کتاب سهل بن زیاد نوادر سهل، روایة مثلاً کتاب الوشاء روایة سهل بن زیاد، پشت کتاب می نوشتند که این روایت کیست، ممکن است کلینی از کتاب و شاء نقل کرده باشد لکن نسخه ی سهل، ممکن است از خود کتاب نوادر سهل نقل کرده است. الان برای ما بر اثر گذشت زمان روشن نیست اما ما هر دورا به هر حال مصدر متوسط حساب می کنیم.

یکی از حضار: کلینی به کتاب و شاء فقط از طریق سهل بوده؟

آیت الله مددی: نه احمد هم دارد.

یکی از حضار: خوب احمد هم باشد با این حال شما می گوید تعویض را نمی شود درست است؟

آیت الله مددی: نه نمی توانیم بگوییم آن است، اسم برده است چطور می شود اسم را عوض کنیم،

یکی از حضار: چه بسا نسخه ی سهل مثلاً

آیت الله مددی: بله از نسخه ی سهل

بله ما معتقدیم که کلینی نسخه ها را مقابله کرده نسخه ی صحیحی را انتخاب کرده است دقت می کنید؟ چون واعلموا ان حدیثکم هذا دین معنایش همین است دیگر، با آن نسخ دیگر مقابله کرده رویش اشاره کرده که این حدیث قابل قبول است مثلاً بعد این نسخه در اختیارش بوده کتاب و شاء روایة سهل بن زیاد از او نقل کرده است آنهایی که قبول کرده است. اگر می خواهد اوثق الناس فی الحدیث باشد باید اینطور باشد خوب نمی شود که بیاید از کذاب نقل بکند اینکه معقول نیست.

یکی از حضار: حالا کذاب را خود شما معنا کردید به آن معنا دیگر

آیت الله مددی: بله به هر حال به آن معنا هم که باشد به هر حال باید ایشان قبول بکنند که روایت، چون احمد اشعری به عکس سهل یعنی اگر ایشان به نحو وجاده عمل کرده است، احمد اشعری سماع دقیق می خواهد همان قصه ی معروف کتاب و شاء را می گوید دیگر می گوید نزد و شاء بودم کتاب ابن را به من داد گفت ببر فردا صبح بیا سماع کن گفت نه نمی برم، چون ممکن است شب بروم در همین کاروانسرای که هستیم مسافر خانه ای که هستیم بمیرم اینها خیال می کنند کتاب را از تو شنیدم از من نقل بکنند از تو من تا سماع نکنم اصلاً نمی برم خوب این خیلی دقیق است دیگر آدم دقیق فوق العاده ای است، آدم، ما ها هم این کار را نمی کنیم الان؟ بله آقا؟

یکی از حضار: در این زمان

آیت الله مددی: بله در این زمان به قول شما

ما هم این، می خواهم این را بگویم اینها دقت های فوق العاده ای است که به کار می بردند و اینکه ایشان می گوید کذب یعنی می گوید عن الوشاء دروغ می گوید من بودم کوفه ایشان این کتاب را خریده از بازار این نسخه ی بازاری است نزد وشاء سماع نکرده است از آن طرف هم او می گوید من نگفتم سمعت گفتم عن الوشاء عن عنه با وجاده هم می سازد، دقت کردید؟ مشکل خاصی ندارد، خصوصاً آن روایتی را که از امام جواد نقل کردند قمی ها که به آن محمد بن حسن بن خالد بن شمبوله یا سیموله نمی دانم چه، فرمودند گفتند حضرت که ما کتاب ها را از زمین درآوردیم برای اصحاب ما بوده تقیه شدید بوده از او نقل کنیم؟ این وجاده است دیگر اشد انواع وجاده است، زیر زمین دفن کرده بودند درآوردند حضرت فرمودند حدثوا بها نقل بکنید اشکال ندارد، می گویند امام اجازه داده است.

اخباری ها هم حرفشان همین است دیگر اصلاً دلیل اخباری ها بر اخذ روایت از کتب مشهوره همین روایت است، ما روایتی که بگوید آقا روایت را از کتاب بگیرد کار به بقیه ی جهات نداشته باشید همین است همین روایت، این هم مرحوم کلینی تنها آورده است منفردات کلینی است.

یکی از حضار: می توانیم بگوییم قضیه فی واقعه نه اینکه کلی باشد بر همه جا

آیت الله مددی: بله حالا گفته شده مرحوم آقای شعرانی حاشیه ای دارد که مراد کتب معینی بوده نه اینکه کلی باشد.

علی ای حال این روشن شد مطلب چیست؟ پس بنابراین آقا این راجع به این.

آن وقت لذا الان ما با روایت سهل معامله ی کتاب یعنی مصدر مع الواسطه می کنیم مصادر متوسط می کنیم چون یا از کتاب خودش نوادر خودش است یا از کتاب وشاء است یکی از این دو تا هر دو تایش هم مصدر متوسط است اما از امام معصوم ایشان ندارد که ما درباره اش بحث بکنیم، ایشان از امام معصوم ندارد.

اسم ها را که نگاه می کنیم همه یعنی همه اش را که الان من دقیقاً در ذهنم نیست از چند نفر نقل کرده است لکن اسماء مشهور است مثل برقی و مثل بنظی و مثل مرحوم وشاء و به نظرم حتی از ابن فضال هم نقل می کند ابن فضال پدر حسن بن علی، یا بعضی جاها حسن بن علی مراد ابن فضال پدر است به قرائن در ذهن من الان این طور است، علی ای حال وشاء هم اسمش حسن بن علی است هر دو اسمشان حسن بن علی است. این راجع به این قسمت.

پس این یک مطلب، یک مطلب دیگری که گفتیم عده ای از دیشب از کتب را از این مصادر متوسطه حساب کردیم که اینها صلاحیت دارد به نظر ما جمع آوری بشود و اینها تاثیر گذارند، یکی هم به همین مناسبت می خواستیم ببینیم روایت سهل است.

یعنی ما یک مجموعه ای به اسم سهل بن زیاد ممکن است ۵ جلد بشود ۶ جلد بشود ، کل روایاتی که سهل بن زیاد دارد با خصوصیات مثلاً یک بخش سهل بن زیاد عن الوشاء ، سهل بن زیاد عن البزنطی ، تمام روایاتش را بیاوریم و یکی یکی روایاتش را بررسی کنیم کلینی نقل کرده چه کسی نقل کرده چه کسی نقل نکرده اولین زمانی که مناقشه در این روایات شروع شد از چه زمانی بود مناقشات در چه بود در متن بود بکشیم تا زمان خود ما هر حدیث ، دانه دانه ی حدیثش مورد بررسی قرار بگیرد این هم جزو مصادر ، یعنی اسم این مجموعه را گذاشتیم دراسات تخصصية فی المصادر المتوسطة این مصادر متوسطه را تحقیق بکنیم .

یکی از این دیشب گفتیم بعضی از این مصادر در قم جا نیافتاده است یکی از این مصادر متوسطه که به نظر من خیلی هم خوب است رویش کار بشود واقعا ارزش دارد برای مرحوم عبد الله بن مغیره است چون این خیلی شخص جلیل القدری است مرد بزرگواری است عبد الله بن مغیره اصحاب اجماع هم که هست حالا عبارت نجاشی را هم بیاورید لا یعدل به احد فی فقه و ثقته اصلا مرد در فقاہت و جلالت شأن ایشان لکن مشهور نیست نمی دانم چرا ، یعنی به حساب شاذ است یک فقیه بسیار بزرگواری بعضی چیزهایی نقل می کنند که فقط خود ایشان نقل کرده اند همین روایت

مثلاً در روایات ما دارد اذا بلغ الماء قدر کر لا ینجسه شیء تنها کسی که گفته اذا بلغ الماء قلة همین عبد الله بن مغیره است و این روایت اهل سنت هم هست تعجب است از ایشان ، اذا بلغ الماء قلتین در روایت اهل سنت هست ، اذا بلغ الماء قلتین در روایات ما منحصر به عبد الله بن مغیره است کسی دیگری نقل نکرده است مثلاً ایشان نقل کرده البته مرسل است روایت ایشان ، نقل کرده من نام عن صلاة العشاء اصبح صائماً این هم ایشان منفرداً نقل کرده است هیچ کسی دیگر نقل نکرده است لذا چون مرسل هم هست بعضی ها قبول نکردند بعضی ها گفتند نه جزو اصحاب اجماع است قبول می کنیم بعضی ها هم احتیاط و جویی کردند بعضی ها فتوی دادند که اگر خواهید نماز عشاء نخواند روز بعد را روز بگیرد اصبح صائماً ، من نام عن صلاة العشاء این از این جور چیزها دارد ایشان عبد الله بن مغیره یعنی عبد الله بن مغیره از این نحو شذوذ دارد .

یکی از کارهای شاذش من عرض کردم سکونی که واضح است کاملاً از عامه هست ایشان از امام صادق کتابی نقل کرده عرض کردیم بزرگان اصحاب ما از سکونی نقل نمی کنند ، مثلاً مثل جمیل ، جمیل از سکونی شاید دو تا روایت داشته باشد در کتب اربعه حالا غیر از اربعه را یادم نیست یکی یا دو تا ، حالا ابن ابی عمیر آن زمان بوده فرض کنید یونس ممکن بوده نقل بکند فرض کنید بزنطی ممکن بوده صفوان اینها هیچ کدام نقل نکردند هیچ کدام از سکونی نقل نکردند و خصائص سکونی هم یکی متون روایاتش منحصر به خودش است تنها کسی که ما از اجلاء اصحاب داریم از او نقل می کند عبد الله بن مغیره است .

البته من یک وقتی معتقد بودم که این دو تا نسخه است یک نسخه برای نوفلی که خیلی مشهور است یک نسخه هم برای عبد الله بن مغیره نسخه ی دوم حساب می کردیم لکن بعدها دیدم نه احتساب نسخه خالی از اشکال نیست یعنی در ذهن من این بود که شاید عبد الله بن مغیره از مجموع روایات سکونی ۱۵ درصد، ۲۰ درصدش را نقل کرده باشد دیدم نه کمتر است ۶ درصد، ۷ درصد اگر باشد خیلی کم است اما در کتابش آورده است به هر حال

لذا اگر نگوییم نسخه هست لا اقل در کتابش آورده است حالا آن وقت این چطور می شود شخصی با این جلالت قدر و اختلاف هم دارد مثلاً نوفلی از سکونی نقل می کند سته یتمون علی کل حال عبد الله نقل کرده سبعة یا به عکس یکی شان سته نقل کرده است، اصلاً این لفظ سته و سبعة در هیچ روایتی نیامده جز سکونی از امام صادق.

لکن عبد الله بن مغیره یک جور نقل کرده آن نوفلی جور دیگری نقل کرده است حالا این چرا این جور شده این را ما الان نمی دانیم این دیگر مثل آنها نیست که مثلاً نزد شیخ طوسی آورده نزد قمی ها مشهور نشده نه فرق نمی کند در این جهت فرق ندارد حالا شما عبارت عبد الله بن مغیره را بیاورید.

یکی از حضار: کجا زندگی می کرده؟

آیت الله مددی: کوفی است ایشان اهل کوفه است اما چرا شده این را هم نمی دانیم، اینکه لا یعدل به احد فی فقه و ورعه. احتمال قوی که ما دادیم ایشان فقیه شاذی باشد دنبال اقوال شاذه بوده احتمال قوی که، اقوال به این معنا که پسندیده، این روایت سبعة را پسندیده یا سته را پسندیده این من نام عن صلاة العشاء ولو مرسل است حالا شاید نزد ایشان مرسل هم نبوده است ایشان قبول کرده است مثل آقای خوئی خیلی از روایات را قبول می کند که دیگران قبول نکردند، دیگر هست چیز تازه ای ندارد.

موثقات را آقای خوئی قبول می کنند عده ای از آقایان مثل مرحوم علامه، صاحب مدارک قبول نمی کنند، این هست احتمالی که دادیم ایشان یک فقیه شاذی بوده است و الا جزو اصحاب اجماع و با این مقام جلیل چیزی نقل می کند که خیلی عجیب و غریب است خیلی عجیب است مخصوصاً حالا عبارت نجاشی این هم شاهد آورده است، عبارت نجاشی را بخوانید.

یکی از حضار: عبد الله بن المغیره مدخل ۵۶۱: أبو محمد البجلي مولى جندب بن عبد الله بن سفيان العلقی، کوفی، ثقة ثقة، لا یعدل به أحد من جلالته و دینه و ورعه، روی عن أبي الحسن موسى عليه السلام. قيل: إنه صنف ثلاثين كتاباً.

آیت الله مددی: ببینید قیل نجاشی که خودش استاد فن است قیلی

یکی از حضار: والذي رأيت أصحابنا رحمهم الله يعرفون منها

آیت الله مددی: ببینید یعرفون منها یعنی کتاب شاذ، کتاب هایش شاذ بوده نوشته اما مجهول مانده؛

یکی از حضار: کتاب الوضوء،

آیت الله مددی: یکی

یکی از حضار: و کتاب الصلاة،

آیت الله مددی: دو تا.

یکی از حضار: بعد می فرمایند که وقد روی هذه الكتب كثير من أصحابنا. أخبرنا عدة من أصحابنا

آیت الله مددی: یعنی روات از خود ایشان زیاد هستند بعد دیگر این کتاب ها مغفول مانده است، أخبرنا بفرمایید.

یکی از حضار: بعضی از این کتاب ها را نقل می کند

آیت الله مددی: روی عنه یعنی خودش دیگر، یعرفون منها اما اینکه می شناسند این است

یکی از حضار: یعنی این کتاب ها را در زمانش نبوده بعضی از اجازات است

آیت الله مددی: در اجازه بوده افراد زیاد نقل کردند اما بعد رها کردند طبقه ی بعدی قبول، یعنی مقارن کردند با احادیث دیگر قبول

نبوده رها شده است حتی اسماء کتبش را هم دیگر نقل نکردند، نه خود کتب. عدة من اصحابنا، البته اسم کتاب وضوء و صلاة را برده

اما در سند بیشتر اسم برده است بفرمایید.

یکی از حضار: أخبرنا عدة من اصحابنا عن أحمد بن محمد بن سعيد

آیت الله مددی: ابن عقدة، تازه برمی گردد این می رود به کوفه به این وسیله می رود به کوفه

یکی از حضار: قال: حدثنا جعفر بن محمد بن عبيد الله بن عتبة قال:

آیت الله مددی: این احتمالا از مشایخ زیدیه باشند احتمالا هم دارد از همین جعفر بن محمد داریم اینجا شیعه است علوی است

شاید او باشد نمی دانم حالا طبقه اش به او می خورد یا نه بفرمایید.

یکی از حضار: قال: حدثنا أيوب بن نوح عن عبد الله بن المغيرة.

آیت الله مددی: ببینید ایوب بن نوح با آن جلالت قدرش از او نقل نکرده اما بعدی رفته ابن عقدة و، یعنی اصحاب باز دیگر نقل

نکردند این همان نکته ای است که من عرض می کنم که شاذ است یعنی فقیهی است که با اینکه جلالت قدر، خیلی فوق العاده است و این

یک نکته ای ندارد که فقط شیخ باشد یا نجاشی باشد، شیخ باشد یا کلینی یا صدوق این عمومیت دارد بعد بخوان

یکی از حضار: وله كتاب الزكاة وكتاب الفرائض وكتاب في أصناف الكلام أخبرنا

آیت الله مددی: سه تا دیگر هم اسم می برند ثلاثین کتاب به او نسبت داده شده مجموعاً ۵ تا را اسم می برند.

یکی از حضار: چرا اینها را اخیراً آورد.

آیت الله مددی: احتمالاً طریقش فرق می کند أخبرنا بها

یکی از حضار: بله أخبرنا أحمد بن علي بن العباس

آیت الله مددی: ابن نوح

یکی از حضار: قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى عن جده

آیت الله مددی: احمد بن محمد بن يحيى الان باز فکر کنم کیست، یک احمد بن محمد بن يحيى نامی است که علوی است ضعیف

است شاید او باشد نمی دانیم، بفرماید.

یکی از حضار: قال: حدثنا سعد قال: حدثنا الحسن بن علي

آیت الله مددی: چون احمد بن محمد بن يحيى عن جده نمی شود عن ابيه باید باشد، اگر این محمد بن يحيى عطار است عن ابيه

باید باشد عن جده معنا ندارد، بله این طریقه به قم آمده است، بفرماید.

یکی از حضار: بله همین چاپی هم همین است من گفتم شاید در نرم افزار اشتباه تایپ شده دیدم نه، قال حدثنا سعد قال حدثنا حسن

بن علي بن عبد الله بن المغيرة عن جده.

آیت الله مددی: این عن جده اینجا هم بود، این نوهی ایشان است که قم آمده نوهی مستقیم یعنی حسن بن علي بن عبد الله بن مغيرة

این نوهی مستقیم ایشان آمده کتاب جدش را برای قمی ها نقل کرده است دقت می کنید، حالا این چرا این را ما الان نمی دانیم، اما نظر خود

من این است که روایات عبد الله بن مغيرة جمع بشود خیلی خوب است جزو مصادر متوسطه چه خودش نوشته باشد چه از دیگران نقل

کرده است اما احادیثش هم در کتب اربعه به این مقدار شذوذ نیست بد نیست شاید ۲۰۰ - ۳۰۰ تا حدیث دارد، ندارد شماره؟

بد نیست و در مجموعه ی ابواب هم داریم یعنی این طور نیست که فقط در یک باب باشد در مجموعه ی ابواب داریم روایاتش از سکونی

در حدود ۶ درصد، ۷ درصد روایات سکونی برای ایشان است بالای حدود ۹۰ درصد، ۸۵ تا ۹۰ درصد برای نوفلی است، نوفلی راوی

کتاب است اما ایشان احتمالاً راوی کتاب است و احتمالاً ایشان به اصطلاح در کتاب خودش آورده است که بشود مصدر متوسط، احتمال

هم دارد از کتاب یعنی نسخه ای از کتاب سکونی بوده لکن من نگاه کردم دیدم اول خیال می کردم ۱۵ تا ۲۰ درصدش برای این ، دیدم اینقدر نیست روایتش از سکونی اینقدر نیست که بگوییم یک نسخه بوده احتمالا در کتب خودش بوده است .

یکی از حضار: تعداد سندهایش در کافی و تهذیب و فقیه ۹۰۶ تاست

آیت الله مددی: بله زیاد دارد حدیث و ابواب متفرق هم دارد

یکی از حضار: بیشترین روایتی هم که از او ، بیشترین روات هم اولش ابراهیم بن هاشم است بعد محمد بن عیسی بن عبد الله اشعری است .

آیت الله مددی: محمد بن عیسی عرض کردم برادر احمد اشعری است به کوفه آمده میراث کوفی ها را آورده قم ، یک مقدارش هم حسن بن علی نوهی ایشان است .

یکی از حضار: به تعداد بخوانم ۱۴۶ تا ابراهیم بن هاشم است ۷۲ تا محمد بن عیسی است

آیت الله مددی: اینها همه راوی آثار از کوفه هستند

یکی از حضار: ۴۳ تا عباس بن معروف ، برقی ۳۲ تا محمد بن خالد ، حماد بن عیسی ۲۵ تا ، ابن ابی عمیر ۱۸ تا ، محمد بن عیسی

بن عبید ۱۶ تا ، حسن بن علی بن فضال تیمی

آیت الله مددی: بعید است این شاید حسن بن علی شاید نوهی خودش باشد حالا

یکی از حضار: من فکر کردم ولی دیدم سند این شکلی است ابن فضال عن عبد الله بن مغیره

آیت الله مددی: علی ای حال عبد الله بن مغیره چون به واسطه نقل می کند مستقیم هم ، الان مستقیم یادم نمی آید دارد مستقیم خود

عبد الله ؟

یکی از حضار: ولی چنین مواردی هم بوده که حسن بن علی بوده اینها گفتند احتمالا حسن بن علی بن فضال است مثلا محمد بن

یحیی عن احمد بن محمد عن حسن بن علی عن عبد الله بن مغیره

آیت الله مددی: این احتمالش دارد ابن فضال چون احمد بن محمد

یکی از حضار: ولی آنجا تصریح شده در دو نسخه تصریح شده است .

آیت الله مددی: از امام معصوم هم نقل می کند ؟

یکی از حضار: نقل های مستقیمش بیشترین نقلش از عبد الله بن سنان است بعد اسماعیل سکونی است آن ۸۰ تا این ۷۸ تاست ، از

امام رضا مستقیما در کافی دارد ۱۷ تاست ،

آیت الله مددی : دیگر چرا حالا ایشان با آن جلالت قدر و با اصحاب اجماع ولا یعدل به احد

یکی از حضار: از موسی بن جعفر هم

آیت الله مددی : شاید داشته باشد ، یعنی ایشان ما بین مصدر اول و دوم یک مقداری خودش از امام نقل کرده است بله آقا ؟

یکی از حضار: از امام رضا ؟

یکی از حضار: از امام رضا ۱۷ تا هست که اسم امام رضا آمده ، ۱۰ مورد هست که ابی الحسن هست ، چون ابی الحسن است

احتمال دادند امام رضا باشد یا حضرت موسی بن جعفر اما باز یک موردی هست عبد الصالح یا ابی الحسن اول است که دیگر قطعا

حضرت موسی بن جعفر باشد

آیت الله مددی : یا مصدر اول ، علی ای جمع آوری روایات عبد الله بن مغیره در ضمن مصادر اولیه یا مصادر متوسطه انصافا ارزش

دارد

یکی از حضار: چند تا نقل هم از امام صادق از او شده است ذکر ذلک لابی عبد الله دارد عبد الله بن مغیره نقل می کند لذا احتمال

دارد برایش روایت شده باشد اسم امام اول در سند اسم امام

آیت الله مددی : یعنی واقعا این یک چیز عجیبی است که با این جلالت قدر کتاب هایش معروف نمی شود اصحاب ، حالا آن نوه اش

هم حسن بن علی هم همینطور است دیگر حالا اگر بخواهیم بخوانیم طول می کشد .

یکی از حضار: فقط یک متنی دارد در فقیه و فی روایة عبد الله بن المغیره عن الصادق علیه السلام این هم احتمال دارد با واسطه بوده

آیت الله مددی : بله با واسطه است ، این هم راجع به این .

راجع به کسانی که ما باز از آنها طرح ما این است که کسانی که به عنوان مصادر متوسط الان نه کتاب ها ، افراد فرض کنید احمد اشعری

من معتقد هستم احمد اشعری و روایاتش و شرح حالش و خصوصیاتش در یک دوره بشود ممکن است ۸ جلد بشود ۹ جلد بشود و تمام

احادیث شرح داده بشود طبقه بندی بشود بررسی بشود خیلی تاثیر گذار است خیلی این مصادر متوسطه یکی از چهره هایی که خیلی تاثیر

گذار است و نمی دانیم چرا نشده خود فضل بن شاذان است فضل بن شاذان هم از بزرگانی مثل ابن ابی عمیر نقل می کند ، اصلا فضل بن

شاذان از امام معصوم ندارد اینکه نوشتند از حضرت رضا درست نیست از امام معصوم ندارد فضل بن شاذان .

علی ای حال لکن این یک شخصیت بزرگی است ، خودش هم کتاب دارد خودش هم نوشتار دارد نوشتار بزرگانی که از مصادر متوسطه هستند مثل ابن ابی عمیر را هم نقل می کند ، جمع روایات ایشان خیلی مفید است آنچه که منشاء تعجب ماست قمی ها خیلی نزد ایشان به نیشابور نرفتند نقل حدیث ، این خیلی برای ما تعجب آور است ، احتمالاتش خوب هست خود مرحوم شیخ کلینی از ایشان نقل می کند اصلاً شاگردش محمد بن اسماعیل نیشابوری که آمده قم و الا خود ایشان ، یعنی پدر ایشان یعنی قمی های دیگر که ممکن بوده خود علی بن ابراهیم مثلاً استاد ایشان و این برای ما خیلی تعجب آور است .

البته فضل بن شاذان چون در حدیث اهل سنت هم خیلی کار کرده است من در این مقداری که ، مثلاً نوشتند سعد هم رفته حدیث از بزرگان اهل سنت شنیده ، عده ای از علمای ما نوشتند که از آنها ، اما تا آن جایی که من الان یاد می آید خود من کسی به اندازه ی فضل بن شاذان خیبر در روایات اهل سنت نداریم ، نه عدد .

اصلاً مثل یک سنی خیلی قوی یعنی به حسب ظاهر ما در رتبه ی مثل بخاری می بینیم این قدر قوی است خیلی در فقه اهل سنت و در حدیث اهل سنت با یک خبرویت عجیبی وارد می شود ، نداریم الان در ذهن من نمی آید که در علمای شیعه کسی ، فرض کنید شیخ الشریعة از کتب اهل سنت نقل کرده یک عده ای این را داریم اما اینکه آشنا باشد و خیبر باشد و نکته سنج باشد و نکته های فنی حدیث ، مشکلات حدیث را بشناسد نداریم ، لذا میراث های فضل بن شاذان باید دسته بندی بشود یعنی یکنواخت نیست .

یک عده میراث هایش از اهل سنت است اصلاً در فقه مقارن است در فقه خلاف است یک عده از میراث هایش از بزرگان اصحاب ماست یک عده از میراث هایش برای خودش است تالیف خودش است یک میراثی هم به او نسبت دادند که از حضرت رضاست یک کتاب علل آن هم شیخ صدوق منفرداً . علی ای حال

یکی از حضار: چرا از حضرت نقل نمی کند با اینکه هم عصر است علتش معلوم است ؟

آیت الله مددی: نه هم عصر نیست نه ،

یکی از حضار: معصومین را که درک کرده است چند تا

آیت الله مددی: ایشان زمان امام عسکری را درک کرده است با حضرت رضا نیست یعنی ۲۶۰ وفاتش است با ۲۰۲ که هم عصر نیست

یکی از حضار: همان ۲۶۰ که وفات است بالاخره زمان حیاتش

آیت الله مددی: یعنی شاید زمان حضرت رضا مثلاً ایشان ۴-۵ ساله بوده مثلاً شاید مثلاً ،

یکی از حضار: امام هادی و امام جواد را می توانست

آیت الله مددی: نه امام عسکری و امام هادی را می توانسته از آنها هم نقل نکرده است. مرحوم نجاشی نوشته پدرش روی عن ابی جعفر جواد از این عبارت معلوم می شود که خود ایشان هم معلوم نیست از امام جواد، الان بالفعل که نداریم در روایات از نداریم آن که دارد آن که می گوید پدرم رفتیم بغداد و با ابن فضال که پیر مرد بوده در سن آخر عمرش بود بعد من یک چیزی گفتم پدرم گفت ما اقل عقلک من غلام اگر ابن فضال ۲۲۴ یا ۲۲۲ وفاتش است اگر این حادثه سال های مثلا ۱۸، ۱۲، ۱۵ باشد می گوید عقلت کم است، یعنی هنوز بچه ی کم عقلی هستی این از امام رضا نقل نمی کند امام رضا مستشهد ۲۰۲ نه، این شواهد نشان نمی دهد و قمی ها هم این کار را نکردند یعنی فقط مرحوم صدوق آن هم یک شرح

علی ای حال شرح میراث های ابن فضال، فضل بن شاذان یک کار سنگینی است انصافا این را ما، یک عده ای جزو مصادر متوسط است یک عده ای حالا مثل آن حدیث که گفته خودم از حضرت رضا شنیدم که آن دروغ است، یک عده ای از کتب اهل سنت است که اصلا ربطی به ما ندارد یک عده ای هم مباحث عقلی ایشان مطرح کرده مثل بحث اجتماع امر و نهی مثل نهی در عبادت و یک مقدار کلماتی که از او نقل شده در این قسمت است فضل بن

یکی از حضار: در اصول هم به ایشان

آیت الله مددی: بله بعضی از مسائل اصولی را دارد

یعنی راجع به فضل بن شاذان یک کتاب واحد نمی شود نوشت این آثار علمی ایشان را باید از همدیگر جدا کرد، تفکیک کرد و ارزیابی کرد اما به هر حال یک شخصیت بزرگی است که انصافا حقش داده نشده است انصافا از کسانی است که حقش داده نشده این هم قمی ها شاید دیدند یک کمی مثلا مطالب عقلی و اینها اضافه کرده یا با سنی ها مثلا زیاد نشسته است حرف های آنها،

چون در یک روایت راجع به یک نفری هست که اسمش در ذهنم نیست که من هم احادیث اهل سنت را نقل می کردم بعد دیدم دارد اختلاط می شود بین شیعه و سنی ترکیه اصلا احادیث اهل سنت را رها کردم که مبادا اشتباه بین احادیث شیعه بشود شاید شبهه این بوده که شاید خدا نکرده

علی ای حال من معتقدم که اگر مصادر متوسطه را جمع آوری بکنیم و روی احادیش کارهای مستقلی بشود کارهای دقیقی بشود این خیلی تاثیر گذار است، از این کتاب هایی که ما در این مرحله داریم که خیلی می شود الان راحت جمع آوری کرد تا حد زیادی یکی همین نوادر احمد، نوادر محمد بن احمد است، خود آثار احمد بن محمد بن عیسی را خوب می شود جمع کرد اما باید ما بین آثارش تفکیک قائل شد و تفکیکش مشکل است الان تفکیک آثار احمد بن محمد بن عیسی خالی از صعوبت نیست.

.....
کتاب الرحمة سعد بن عبد الله مقداری قابل جمع آوری است قابل بازسازی است و قطعاً جزو مصادر متاخر است و ارزش دارد انصافاً با ارزش است نوادر محمد بن علی بن محبوب ارزشمند است جمع آوری آن خیلی مفید است و بعد روایات حسن بن علی بن فضال را اگر بتوانیم جمع آوری کنیم نسبتاً خیلی موثر است تأثیر گذار است اما آن چند تایی اولیه بیشتر اینها اگر جمع آوری بشود به نظر من در شناخت حدیث شیعه و تاریخ حدیث شیعه خیلی تأثیر گذار است فوق العاده اینها تأثیر گذار است ، این راجع به بحث ما تا اینجا راجع به مصادر متوسطه بود .

اما مصادر اولیه ، مصادر اولیه آن است که مستقیم از امام نوشتند یا به هر حال اولین کتابی است که نوشته شد خوب این را هم ما عرض کردیم بیشترین مرکز در کوفه است مقداری هم در بصره است مقدار کمی هم در مدینه بوده شاید یک چیز مختصری هم در آن زمان امام صادق و اینها در قم بوده مصدر اولیه در قم بیشتر توقیعات است جنبه ی توقیعات در قم مصدر اولیه ما داریم اینها مصادر اولیه قابل شناسایی است یعنی اینها قابل بررسی است و این مصادر اولیه خوب در کوفه که زیاد کتاب نقل شده است گفت که ۶۰۰ تا ۹۰۰ تا شیخ کلهم يقول جعفر بن محمد حدیثی لکن پراکنده بوده است .

یک مقدارش که قابل اعتناء است کتاب علاء است که عرض کردیم ، کتاب عمار ساباطی است که عرض کردیم که انصافاً اگر جمع آوری بشود خیلی تأثیر گذار است خیلی و به اصطلاح اینها اساس کار به اصطلاح روایات شیعه است اگر اینها جمع آوری بشود تحقیق بشود تنقیح بشود خیلی تأثیر گذار است اصل این مطلب راجع به مصادر اولیه هم اینکه از کجا ما اینها را نسبت کتاب بدسیم این را باید دیگر ریزه کاری ها را پیدا کرد ریزه کاری هایی که باید دنبال کار افتاد ما اساساً راجع به شناخت مصدر چه اولیه چه متوسطه راه ما فعلاً کتب فهارس است یعنی فهرست شیخ و نجاشی یک حد خیلی مختصری هم فهرست ابو غالب زراری خیلی مختصر

یکی از حضار: ابن ندیم در این جهت ؟

آیت الله مددی: ابن ندیم چون طریق ندارد به طریق فهرستی ما نیست یعنی اجازه ندارد طریق ندارد به طریق فهرستی ما نیست ، اجازه ی علامه هست اینها برای متاخر است اینها نمی توانند مصادر اولیه را خوب تشخیص بدهند . مشیخه ی شیخ طوسی به درد می خورد اما مثل فهرست است دیگر ، مثل فهرست شیخ طوسی ، فرقی با شیخ طوسی ندارد .

علی ای حال مصادر اولیه ی ما هم عده ی زیادی اش الان قابل بازسازی هستند و خیلی تأثیر گذارند همین کتاب عمار ساباطی خیلی تأثیر گذار است خود کتاب حریر بازسازی بشود خیلی تأثیر دارد ، بازسازی علمی بشود ، کتاب علاء بن رزین که عرض کردم که ما به هر حال جزو مصادر اولیه حسابش کردیم اینها بازسازی اش خیلی تأثیر دارد .

و اصولاً راجع به این مصادر اولیه و متوسطه بحث کبروی اش تا یک حدی روشن است بحث شناخت خارجی ما الان من خودم را می گویم خیلی مشکل داریم چون باید احاطه به نسخه های خطی کتابخانه های دنیا داشته باشیم ، شاید عده ای از اینها پیدا بشود در این کتابخانه های خطی یا حالا اولش حذف شده عبارت کتاب ناقص بوده یا اصلاً کتاب کامل بوده الان به ما نرسیده مثل همین ۱۶ تا اصلی که اصول ستة عشر که مقداری به ما رسیده است .

علی ای حال ما روی این مصادر چه اولیه چه ثانویه کار بکنیم خیلی کار فهرستی ما ، چون کار فهرستی عرض کردیم اساس کارش بر اساس مصادر است بر اساس منابع اصلی است آن وقت منابع اصلی را به حسب تاریخ و به حسب جغرافیا که مثلاً در کجا بوده چطوری نوشته شده ، شواهد این مصدر اولیه بیشتر برای این است که اثبات بکنیم که چنین کتابی موجود بوده مجرد روایات شفاهی نبوده است و این شواهد به اشکال مختلف است .

مثلاً در حفص بن غیاث مرحوم نجاشی می گوید که حفص بن غیاث روی عن الصادق همین کتابی که ۱۷۰ حدیث است یعنی کاملاً واضح است که کتاب تشخیص داده شده است ۱۷۰ حدیث ایشان از امام صادق نقل کرده است این کتاب اولیه ، ما ریزه کاری ها داریم مصدر اولی ما در شناخت این کتب فهارس است ، لکن ما کتاب های متعدد دیگری هم داریم که از راه آنها توانستیم مصادر اولیه را شناسایی بکنیم و این یک کار مشکلی است کار کاملاً

و مصادر اصلی ما اولیه ی ما از قرن اول شروع می شود همان کتاب سنن و احکام امیرالمؤمنین ما دیگر از آن زمان داریم و بعضی هایش هم از اصحاب امیرالمؤمنین نوشتند که آن نوشتارها فعلاً روشن نیست در اختیار ما باشد حتی مشهور هم شاید نباشند . یکی از آن نوشتارها یک کتابی است که آن آقا نقل کرده در باب زکات که حضرت امیر نامه نوشتند که گفتیم به اصطلاح ربیعة بن سمیع مرحوم نجاشی اسمش را برده است جزو کتب که حضرت امیر نامه ای در یعنی کتابی در باب زکات نوشتند به ایشان و این کتاب عرض کردیم در کتاب کافی الان مقدارش رسیده است لکن آنجا گفته زمعة بن سبیع اینجا نجاشی عبارتش با عبارت کافی سندش هم یکی است فرق نمی کند و عبارت کافی به لغت عربی نزدیکتر است تا ربیعة بن سمیع ، سمیع خیلی عربی نیست ، زمعة بن سبیع یعنی ما از قرن اول داریم این صحبت است دیگر اینها چون یک مقدارش در همین بحث های فهرستی و تاریخچه ی قرن اول و دوم گفتیم تکرار نمی خواهیم بکنیم ما حتی افرادی داریم که حتی دقیقاً نمی دانیم آیا اینها نوشته هایشان کجا هست شخصی است به نام خلاص بن عمرو و سین خلاص ، لام الف سین ، خلاص بن عمرو برای حجر بوده الحجری ، همین شامل بحرین و قطیف و احصاء اینها منطقه را حجر می گفتند این را اهل سنت دارد له کتب رواه عن علی اما من فکر می کنم در کتب ما نیامده است خلاص بن عمرو نیامده است در مصادر ما نیامده است .

غرضم این خودش یک کار مستقلی می خواهد در قرن اول ما صحیفه‌ی سجادیه داریم، در قرن اول مثلاً عده‌ای از خطب امیرالمؤمنین که نوشته شده بوده نقل شده است در اوائل قرن دوم مصعده بن زیاد از امام صادق خطب امیرالمؤمنین نقل می کند همین جور ما باید این مصادر را می گویم خیلی کار دارد دیگر اینها دیگر کارهای زیادی دارد تا بتواند

حتی مرحوم نهج البلاغه سید رضی در یک جا از آن می گوید و روی مصعده معلوم می شود کتاب مصعده هنوز نزد ایشان موجود بوده است کتاب در قرن دوم بوده ایشان در قرن پنجم هنوز، یک جا اسم می برد و روی مصعده بن صدقه ایشان یک جا اسم این کتاب را می برد یکی از حضار: آخر قرن چهارم

آیت الله مددی: آخر قرن چهارم ایشان سال ۴۰۰ نوشته بله آخر چهارم و اول پنجم.

علی ای حال این دیگر یک عرض عریضی دارد دیگر اگر بخواهیم اینها را یکی یکی، اما اگر خداوند توفیق بدهد در کتابهای خطی یا خطهایی که متفرقه پیدا بشود خیلی می تواند کار گزار باشد و راجع به مصادر اولیه راجع به مصادر متوسطه صحبت کردیم صحبت زیاد است یعنی چون قرن به قرن است و حساب تا زمان به حساب مصادر اولیه ای که در قم تالیف شده بعد همان مثلاً کتاب امیرالمؤمنین کتاب سنن و احکام خود این ما برخوردهایی که اصحاب ما داشتند برخوردهایی که اسماعیلی ها داشتند اینها خیلی زیاد است اگر بخواهیم روی یکی یکی آن حساب بکنیم خودش طولانی است دقت می کنید؟ اما اجمال مطلب همین است که گفته شده است و اجمال مطلب این است که اینها نکته‌ی اساسی اش مصدر اولیه نوشته شده، نوشته را به دومی دادند، دومی به سومی تا رسیده به این فهرست نویس ها.

اگر او نداده یا در وسط داده نشده دیگر به فهرست نیامده و اگر به فهرست نیامده دیگر طریق ندارند به آن طریق ندارند خالی از طریق است و ما با شناخت این طرق مخصوصاً این مصادر متوسطه که الان بحثش را مفصل کردیم، مصادر اولیه را می خواستم مفصل تر بحث کنم دیدم خیلی زیاد است یعنی یکی دو تا نیست دیگر اکتفا کردیم به همین چه که در اینجا بود.

مانند مصادر متاخره که از کافی و کتب اربعه باشد آنها چون زیاد راجع به آنها بحث شده است خیلی روی آنها بحث نمی کنیم یک بحث مختصری راجع به آنها می کنیم و این بحث تقسیم بندی مصادر که در ضمن بحث فهرستی بود این را فعلاً تمامش می کنیم تا برسیم به اصل مساله‌ی کارهای فهرستی احتمالاً بعد از این متعرض مذاهب فاسده هم بشویم بعد از این بحث، یعنی مثلاً کتب زیدیه نقش زیدیه در روایات ما کتب فطحیه، کتب واقفیه، این مصادر را هم جداگانه، کتب اهل سنت، چه روایاتشان چه کتبشان اینها را هم جداگانه بحث کنیم.